



ORIGINAL RESEARCH PAPER

Mortgage insurance

M. Akbari Dehno^{1,*}, M. Shahbazinia²

¹Department of Private law, Faculty of Law, University of Tehran(Farabi Campus), Tehran, Iran

²Department of Private Law, Faculty of law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran

ARTICLE INFO

ABSTRACT

Article History

Received: 25 January 2014

Revised: 06 November 2015

Accepted: 15 February 2016

Keywords

*Insurance; Mortgage property;
Mortgagor; The mortgagee.*

Although the mortgage insurance law has foreseen only the possibility of insuring the mortgage by the mortgagee, due to the benefit in terms of insurance, the mortgagor has this right too. Mortgage insurance is primarily the responsibility of the insurer arising from the assumption of loss or waste of mortgage. In each of these scenarios, depending on whether policyholder is the mortgagor or the mortgagee different rules applies.

In the case of the mortgage property loss from policyholders, insurance companies have no responsibility. However, in case of loss of mortgaged by someone other than policyholders, the insurer is obliged to compensate the policyholders. In case of loss the insured mortgage, what is important and appropriate, is that the mortgage should be insured. Civil law has no ruling on this matter, but what could be inferred from the civil rights and legal principles in this regard is that the insurance company is still responsible for compensation.

*Corresponding Author:

Email: meysam.dehno@gmail.com

DOI: ۱۰,۲۲۰۵۶/ijir.۲۰۱۴.۰۴,۰۶



بیمه‌ی مرهونه

میثم اکبری دهنو^{۱*}، مرتضی شهبازی نیا^۲

^۱گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی)، تهران، ایران
^۲گروه حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

چکیده:

هرچند قانون بیمه تنها امکان بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن را مورد پیش بینی قرار داده است، اما به لحاظ وجود نفع بیمه‌ای، راهن نیز از این حق برخوردار خواهد بود. در بیمه مرهونه اصولاً مسئولیت بیمه گر ناشی از فرض اتلاف و یا تلف مرهونه است. در هرکدام از این حالات نیز بسته به اینکه بیمه گذار راهن و یا مرتهن باشد احکام و آثار بیمه مرهونه متفاوت است. در صورت اتلاف مرهونه از سوی بیمه گذار شرکت بیمه گر مسئولیتی بر عهده ندارد، با وجود این در صورت اتلاف مرهونه از سوی شخصی غیر از بیمه گذار، بیمه گر مکلف به جبران خسارت از بیمه گذار است. در فرض تلف مرهونه بیمه شده، آنچه مهم و در خور است، بیمه مرهونه از سوی راهن است، قانون مدنی در این باره حکمی ندارد اما آنچه از مبانی حقوق مدنی و فقهی در این مسئله قابل استنباط است، ادامه تعلق حق مرتهن نسبت به خسارات پرداختی از سوی شرکت بیمه است.

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۰۴ تیر ۱۳۹۳

تاریخ داوری: ۱۵ آبان ۱۳۹۴

تاریخ پذیرش: ۲۶ بهمن ۱۳۹۴

کلمات کلیدی

اتلاف

بیمه

تلف

راهن

مرتهن

مرهونه

*نویسنده مسئول:

ایمیل: meysam.dehno@gmail.com

DOI: ۱۰,۲۲۰۵۶/ijir.۲۰۱۴.۰۴,۰۶

مقدمه

رهن عقدی است که به موجب آن مدیون مالی را برای وثیقه به داین می دهد.^۱ حصول اطمینان برای طلبکار (مرتهن)، بمنظور پرداخت دین از سوی مدیون (راهن)، مقتضای عقد رهن است. از این رو چنانچه در سررسید دین، مدیون اقدام به پرداخت دین ننماید، مرتهن خواهد توانست از محل مال مورد رهن که «مرهونه» یا «مرهونه» نامیده میشود استیفای طلب نماید.

بقا و پایداری مرهونه برای راهن و مرتهن حائز اهمیت است؛ چه آنکه هر دوی ایشان به جهت حفاظت از مال در مقابل صدمات احتمالی، و در صورت بروز صدمات، جبران خسارات ناشی از این صدمات منتفع هستند. دستیابی به هدف اخیر، بوسیله بیمه نمودن مرهونه برای راهن و مرتهن امکان پذیر است.

امروزه بیمه نمودن مرهونه در دادوستدهای اقتصادی چه در بعد داخلی و چه در بعد خارجی از اهمیت خاصی برخوردار است. بطور مثال در بعد داخلی، پاره ای از بانک ها، با دریافت وجوهی از وام گیرندگان، اقدام به بیمه نمودن مرهونه‌ی گیرنده وام می نمایند، تا در سررسید وام، بدون هیچ دغدغه ای از محل رهن مبادرت به وصل طلب نمایند. در بیع بین الملل نیز این طریق حائز اهمیت است؛ بطور مثال در مبادلات بین المللی، بانگ گشایش دهنده اعتبار، به موجب قراردادهای مقدماتی، کالای موضوع اعتبارات اسنادی را در رهن خود قرار می دهد، تا چنانچه خریدار برای واریز مبلغ اعتبارات اسنادی مراجعه ننماید، بانک از محل فروش آن کالاها اقدام به وصول طلب نمی نماید (آل شیخ، ۱۳۸۴).

در قانون بیمه، قانونگذار امکان بیمه نمودن مرهونه را در ماده ۷ این قانون بیان نموده است. به موجب این ماده «طلبکار می تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه دهد در این صورت هرگاه حادثه ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه گر باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت».

در ماده فوق، تنها به امکان بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن اشاره شده است و صحبتی از امکان بیمه نمودن مرهونه از سوی راهن به میان نیامده است. این در حالی است که هم راهن و مرتهن در مورد جبران خسارت از مرهونه در فرض ایراد خسارت از آن دارای نفع بیمه ای هستند. از این رو سوال نخست آن است که در فرض بیمه نمودن عین مرهونه از سوی راهن، و با فرض ورود خسارت به مرهونه، وضعیت خسارات پرداختی بیمه گر چگونه خواهد بود؟ آیا در این رهگذر مرتهن بدون اینکه دخالتی در عقد بیمه داشته باشد نسبت به خسارات پرداختی بیمه گر سهیم است؟

همچنین آنچه از واژه «حادثه» در ماده ۷ قانون بیمه بر مبنای تبادل^۲ ممکن است به ذهن خطور یابد، فرض تلف مرهونه است. این در حالی است که از بین رفتن مرهونه ممکن است به دلیل اتلاف (و نه تلف مرهونه) باشد. پرسش مطرح آن است که آیا شرکت بیمه گر در فرض اتلاف مرهونه مسئولیتی بر عهده دارد؟ در فرض مسئولیت شرکت بیمه گر وضعیت خسارات پرداختی، و نیز نحوه توزیع آن میان راهن و مرتهن چگونه خواهد بود؟

قانون بیمه پاسخی را به سوالات فوق ارائه نمی دهد. در حقیقت پرسش‌های مطروحه فوق مهمترین ابهامات مطرح در رابطه با بیمه مرهونه است. هدف نویسندگان در این نوشتار بررسی مفهوم بیمه مرهونه با توجه به اصول حقوق بیمه و حقوق مدنی است. بطور کلی مسئولیت شرکت بیمه گر یا ناشی از تلف و یا ناشی از اتلاف مرهونه است. از همین رو مناسب است بر همین مبنا مطالب مقاله مورد بررسی قرار گیرد. اما پیش از ورود به بحث با توجه به اهمیت دو مفهوم تلف و اتلاف در این نوشتار، به تعریف و ذکر مهمترین تفاوت این دو بپردازیم:

تفاوت تلف و اتلاف

^۱ ماده ۷۷۱ قانون مدنی

^۲ در اصطلاح علم اصول، تبادل به معنی پیشی گرفتن یک معنی نسبت به معانی دیگر در ذهن شنونده است (جمعی از نویسندگان، ۱۴۲۶ ه ق).

در حقیقت دو مفهوم اتلاف و تلف به لحاظ از بین رفتن مال مشترک هستند. با این وجود این اشتراک نمی بایست تصور همسان بودن این دو مفهوم را ایجاد نماید؛ چه آنکه میان این دو نهاد تفاوت های ظریفی وجود دارد. توضیح آنکه اصولاً آنچه باعث تحقق اتلاف می شود، عامل انتساب مستقیم (و بلاواسطه)^۱ است. چه آنکه در این مورد عمل شخص اتلاف کننده بصورت مستقیم و بلاواسطه منجر به از بین رفتن مال می شود. هر چند در این رهگذر، هیچ گونه قصد و عمدی را نتوان به متلف (به جهت تلف نمودن مال) نسبت داد (اکبری دهنو و پارساپور، ۱۳۹۱) با وجود این در تلف، عامل اصلی تحقق اتلاف یعنی عنصر انتساب وجود ندارد. به تعبیر دیگر آنچه باعث از بین رفتن مال می شود را نمی توان به شخصی منتسب نمود، هر چند که مال در تصرف شخص مورد تلف واقع شود؛ مانند از بین رفتن مال به علل قهری مانند طوفان، سیل، زلزله و ... (محقق داماد، ۱۳۸۹)

بیمه مرهونه در فرض «اتلاف» مرهونه^۲

گفته شد که به لحاظ وجود نفع بیمه ای، راهن و مرتهن هرکدام حق بیمه نمودن مرهونه را دارند. نفع بیمه ای راهن، بقای مال خویش و نفع بیمه ای مرتهن بقای مال برای استیفای طلب خویش در سررسید دین از محل رهن است. ممکن است؛ مال مرهونه توسط راهن، مرتهن و یا شخص دیگری تلف شود. به شقوق متعدد فوق لازم است دو حالت دیگر نیز افزوده شود و آن اینکه بعد از انعقاد عقد رهن مال مرهونه در تصرف راهن و یا مرتهن باشد. با عنایت به مراتب فوق می توان حالات مختلفی را متصور شد. به همین جهت به منظور بیان و درک بهتر مطالب بهتر است شقوق مختلف فوق در دو فرض مورد بحث واقع شود. در فرض نخست حالتی مورد بحث قرار داده می شود که راهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه کرده و در فرض دوم حالتی مورد بحث قرار داده می شود که مرتهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه نموده باشد.

بیمه مرهونه از سوی راهن

^۱. در حقیقت در فقه اتلاف در یک مفهوم کلی از سوی فقها مورد بررسی قرار می گیرد. توضیحاً آنکه در یک تقسیم بندی کلی اتلاف به اتلاف بالمباشره و اتلاف بالتسبیب تقسیم می شود. آنچه در تلف بالمباشره (اتلاف مستقیم) مهم است مستقیم بودن عمل متلف و تلف مال است. این در حالی است که در اتلاف بالتسبیب آنچه مهم است غیر مستقیم بودن عمل متلف (که اصطلاحاً سبب نامیده می شود) و تلف مال است. در حقیقت هم در اتلاف مستقیم و هم در اتلاف غیر مستقیم عنصر «انتساب» وجود دارد. از این رو تفاوت اتلاف غیر مستقیم و تلف نیز در همین نکته است که در اولی عنصر انتساب هر چند بصورت غیر مستقیم وجود دارد، لیکن در تلف عنصر انتساب وجود ندارد. شایان ذکر است که در مورد تاثیر ارتکاب تقصیر (اتلاف غیر مستقیم) از سوی هرکدام از راهن و مرتهن در فرض اتلاف مرهونه بیمه شده در ادامه بحث و انتهای بحث بیمه رهینه در فرض «اتلاف مرهونه» سخن خواهد شد.

^۲. در حقیقت بیمه مرهونه از اقسام بیمه های خسارت و بطور خاص از اقسام بیمه های اموال است. بطور کلی مشخصه مشترک بیمه های خسارت آن است که همگی درصدد جبران خسارت وارده ناشی از حادثه اند (بابایی، ۱۳۹۰). شرکت های بیمه گر در این قسم از بیمه ها، با پرداخت مبالغی درصدد جبران خسارت ناشی از تلف عین مرهونه بر خواهند آمد. این در حالی است که در حقوق مدنی هنگامیکه از بدل صحبت به میان می آید با توجه به ماده ۹۵۰ قانون مدنی و بسته به مثلی و یا قیمی بودن مال، نحوه جبران خسارت متفاوت خواهد بود (کاتوزیان، ۱۳۸۷) با توجه به مراتب فوق ممکن است گفته شود که در فرض تلف مرهونه میان این دو نظام جبران خسارت تفاوت وجود دارد؛ چه آنکه در اولی عملاً بدل بصورت مبالغی پولی و در دومی بدل می بایست حسب مورد، در صورت مثلی بودن مثل و در صورت قیمی بودن قیمت مال تلف شد باشد. البته در فرض قیمی بودن، به لحاظ نوع جبران خسارت تعارضی میان جبران خسارت از منظر حقوق بیمه و حقوق مدنی وجود ندارد. در مورد اموال مثلی نیز این دوگانگی در جبران خسارات نمی تواند ایرادی را بحث حاضر وارد سازد چه آنکه در هر دو این دو نظام آنچه مهم است طبیعت جایگزینی جبران خسارت است، و نه تشابه و همگونی جبران خسارت.

چنانچه راهن اقدام به بیمه مرهونه نموده باشد، و خودش اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد (خواه مال در تصرف وی و یا مرتهن و یا دیگری باشد)، شرکت بیمه گر مسئولیتی نخواهد داشت. چه آنکه به موجب ماده ۱۴ قانون بیمه «بیمه گر مسوول خسارات ناشیه از تقصیر بیمه گذار یا نمایندگان او نخواهد بود».

در حقیقت اتلاف عمدی بیمه گذار در اتلاف مال خویش از مصادیق بارز تقصیر بیمه گذار است. و حقوقدانان عمد بیمه گذار در اتلاف نمودن مال خود را از مصادیق بارز تقصیر عمدی می دانند (بابایی، ۸۸).^۱ به همین جهت بیمه گذار خود می بایست بر اساس موازین پیش بین شده در قانون مدنی^۲ در مقابل مرتهن پاسخ گو بوده و در این رهگذر، بیمه گر حمایتی از وی در مقابل مرتهن نمی نماید.

با این وجود اگر شخص دیگری اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد خواه مال در تصرف راهن باشد و یا نباشد، بیمه گر موظف به جبران خسارت از بیمه گذار خواهد بود، چه آنکه در ماده ۱۴ قانون بیمه صرفاً تقصیر بیمه گذار موجب عدم مسوولیت بیمه گر می شود.

بیمه گر می تواند پس از جبران خسارت به طبیعت قائم مقامی^۳ خویش از بیمه گذار، علیه وارد کننده زیان اقدام به مطالبه خسارت وارده نماید. در حقیقت به موجب ماده ۳۰ قانون بیمه «بیمه گر در حدودی که خسارات وارده را قبول یا پرداخت می کند در مقابل اشخاصی که مسوول وقوع حادثه یا خسارت هستند قائم مقام بیمه گذار خواهد بود و اگر بیمه گذار اقدامی کند که منافی با عقد مزبور باشد در مقابل بیمه گر مسوول شناخته می شود». از سوی دیگر به موجب ماده ۷ قانون بیمه در صورت بیمه گشتن مرهونه شرکت بیمه، در ازای طلب طلبکار (مرتهن) در مقابل وی پاسخ گو خواهد بود. البته با تجمیع شرایط مربوط به تهاتر از قبیل اتحاد میزان، زمان سررسید، و جنس طلب^۴ این دو طلب با یکدیگر قابل تهاتر شدن هستند.

بیمه مرهونه / از سوی مرتهن

چنان مرتهن اقدام به بیمه مرهونه نموده و سپس اقدام به اتلاف آن نموده باشد خواه مرهونه در تصرف وی و یا دیگری (اعم از راهن و یا دیگری) باشد، بیمه گر مسئولیتی در مقابل وی نخواهد داشت. همچنین در این فرض، میان حق مرتهن علیه راهن (بابت اصل طلب) و حق راهن علیه مرتهن (بابت اتلاف مرهونه) تقابل بوجود می آید. که البته در صورت حصول شرایط لازم امکان استناد به تهاتر ممکن خواهد بود.^۵ اما چنانچه راهن و یا دیگری اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد، خواه مال در تصرف مرتهن باشد و یا نباشد (برای مثال در تصرف راهن و یا دیگری باشد) از سویی بیمه گر با عنایت به عدم تقصیر مرتهن نسبت به تدارک خسارت وی اقدام می نماید و از سوی دیگر با عنایت به تکلیف

^۱ به لحاظ حقوق تطبیقی مسئول نبودن بیمه گر در مورد خسارات عمدی منتسب به بیمه گزار از اصول به رسمیت یافته است؛ بطور مثال در ماده ۱-۱۱۳ قانون بیمه فرانسه به عدم پوشش بیمه برای خسارات عمدی تصریح شده است. همچنین در حقوق عرفی انگلستان که بر پایه رویه دادگاهها برقرار شده است این طریق مورد پذیرش دادگاهها واقع شده است (J. Birds & N. J. Hird, ۲۰۰۱).

^۲ به موجب ماده ۷۹۱ قانون مدنی چنین پیش بینی شده است: «اگر عین مرهونه بواسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود».

^۳ قائم مقامان خاص متعاقبین اشخاصی هستند که به دلیل انتقال مال یا حق معینی، آثار قراردادهای انتقال دهنده نیز همراه آن مال یا حق به آنها منتقل شده و در این زمینه جانشین ناقل می گردند. (مولودی، ۱۳۸۳). از نظر حقوق بیمه، امروزه در قوانین بسیاری از کشورها راه حل استرداد مزایا و هزینه ها در قالب نظریه ی قائم مقامی (subrogation) پذیرفته شده است، با این توضیح که شرکت بیمه گر پس از جبران زیان به وارد کننده زیان مراجعه می نماید.

^۴ ممکن است که ایراد شود که جانشینی و قائم مقامی بیمه گر از بیمه گذار اقتضای انرا دارد که بیمه گر دقیقاً بابت همان طلب بیمه گزار حق مراجعه به مدیون را داشته باشد. از سوی دیگر گفته شد که در نظام تدارک خسارت بیمه اصل بر پرداخت مبالغ پولی است. از این رو بیمه گر با پرداخت مبالغ پولی درصدد جبران خسارت طلبکار (مرتهن) است. با این اوصاف یکی از شروط اصلی تهاتر که همان اتحاد جنس طلب است در مانحن فیه مخدوش خواهد بود.

^۵ اینکه پاره ای از بزرگان بدون اعمال شرایط تهاتر، قائل به سقوط طلب اصلی مرتهن از راهن در فرض اتلاف مرهونه توسط مرتهن گشته اند می تواند مورد ایراد باشد (نجفی (کاشف الغطاء)، ۱۳۵۹ ه ق، همدانی، ۱۴۲۰).

متلف در برابر مرتهن طلبکار، برای تهیه بدل و تحقق این دین بواسطه اتلاف مال،^۱ بیمه گر جانشین طلبکار گشته و حق مطالبه خسارت از متلف را خواهد داشت.

در حقیقت به موجب ماده ۷۹۲ قانون مدنی در صورتی که راهن اقدام به تلف نمودن (اتلاف) عین مرهونه نموده باشد مکلف به تهیه بدل برای مرتهن است، وجود این دین برای طلبکار، مبنای قائم مقامی شرکت بیمه برای مراجعه به متلف (راهن) خواهد بود.

در پایان بحث، ذکر نکته ای ضروری است، و آن اینکه همانگونه که گفته شد قسم دیگری از اتلاف مال، (در یک تقسیم بندی کلی) اتلاف بصورت غیر مستقیم است که اصطلاحاً آنرا تسبیب می نامند. سوال مطرح این است که آیا در فرض تسبیب، مطالب و تقسیم بندی مطرح در مقوله اتلاف مرهونه می تواند مجدداً ارائه شود؟^۲

پاسخ به این سوال به رغم ظاهر فریبنده ماده ۱۴ قانون بیمه منفی است. به دیگر سخن هرچند در این ماده مقنن صراحتاً اظهار داشته است که بیمه گر مسوولیتی در قبال تقصیر بیمه گذار نسبت به مال موضوع بیمه ندارد اما همانگونه که حقوقدانان بدرستی گفته اند این تقصیر صرفاً مربوط به «خسارات عمدی» بوده و ارتباطی به تقصیر در معنای سببیت در تحقق اتلاف نیست (بابایی، ۸۸). پس اگر راهن و مرتهن تقصیراً «مسبب» تلف شدن مرهونه شده باشند بیمه گر موظف به جبران خسارت از ایشان خواهد بود. در این رهگذر هیچ تفاوتی نمی نماید که هرکدام از راهن و یا مرتهن اقدام به بیمه نمودن مرهونه نموده و یا اینکه مرهونه با تقصیر هرکدام از آنها تلف شده باشد.

البته بعنوان یک استثناء می توان گفت که اگر تقصیر سبب در تلف مال به گونه ای باشد که عرف آنرا اقوی از مباشر اتلاف تلقی نماید، به مانند حالتی است که بیمه گذار عمداً اقدام به اتلاف مال می نماید.

بیمه مرهونه در فرض «تلف» مرهونه

گفته شد که تلف ناظر به حالتی است که در آن عنصر انتساب وجود ندارد. و به تعبیر واضح تر از بین رفتن مال مرهونه به دلایلی واقع می شود که نمی توان آنرا به شخص یا اشخاصی نسبت داد. دراین فرض نیز ممکن است هرکدام از راهن و مرتهن مبادرت به بیمه نمودن مرهونه نموده باشند. از این رو هرکدام از این دو فرض را به نحو مجزا مورد بررسی قرار می دهیم:

بیمه مرهونه از سوی مرتهن

مقنن در ماده ۷ قانون بیمه صراحتاً فرض بیمه نمودن مرهونه از سوی مرتهن را پیش بینی نموده است. در این ماده چنین می خوانیم: «طلبکار می تواند مالی را که در نزد او وثیقه یا رهن است بیمه دهد در این صورت هرگاه حادثه ای نسبت به مال مزبور رخ دهد از خساراتی که بیمه گر باید بپردازد تا میزان آنچه را که بیمه گذار در تاریخ وقوع حادثه طلبکار است به شخص او و بقیه به صاحب مال تعلق خواهد گرفت».

در حقیقت فلسفه اصلی بیمه مرهونه در فرض تلف آن، جلوگیری از اضمحلال حق مرتهن است. چه آنکه به لحاظ حقوقی در فرض تلف مرهونه به دلایل قهری حق الرهانه ی مرتهن از بین می رود.^۳

^۱ ماده ۷۹۱ قانون مدنی.

^۲ بطور مثال راهن و یا مرتهن بصورت غیر مستقیم، مسبب تلف مال شده باشند.

^۳ با وجود این که در قانون مدنی صراحتاً به سقوط حق الرهانه ی مرتهن در فرض تلف مرهونه اشاره ای نشده است، اما این نظر از مواد مرتبط قانون مدنی به روشنی قابل استنباط است از جمله آنکه در ماده ۷۹۱ قانون مدنی صرفاً اتلاف مرتهن مورد عنوان قرار داده شده و صحبتی از تلف مرهونه نشده است. نیز در ماده ۲۴۲ قانون مدنی تلف مرهونه مورد شرط در قرارداد موجبی را برای تدارک بدل آن توسط مشروط علیه فراهم نمی آورد. همچنین به لحاظ فقهی نیز پاره ای از فقهاء قائل به سقوط حق الرهانه ی مرتهن شده اند. علامه حلی (ره) در تذکره الفقهاء در این باره چنین می فرمایند: و إذا تلف الرهن بأفء سماء، بطل الرهن (علامه حلی، ۱۴۱۴ هـ.ق).

شایان ذکر است که بیمه گر تنها در مقابل طلب مرتهن از راهن (صاحب مال) خسارات وی را جبران می نماید و نسبت به مابقی طلب قیمت مرهونه از مرتهن جبران خسارتی بعمل نمی آورد. بطور مثال اگر الف از ب مبلغ ۱ میلیون تومان طلبکار بوده و ب برای پرداخت بدهی خویش اتوموبیل ۵ میلیون تومانی خود را در رهن طلبکار قرار داده و طلبکار نیز در طی قرارداد جداگانه ای با شرکت بیمه گر مبادرت به بیمه نمودن اتوموبیل نموده و پس از مدتی، مرهونه به علل قهری تلف شده باشد. از یک سو شرکت بیمه گر در مقابل بیمه گذار مکلف به جبران خسارت در حدود ۲ میلیون تومان است (یعنی همان طلب بیمه گذار (الف) علیه صاحب مال (ب)). و از سوی دیگر نسبت به مابقی مبلغ جبران خسارت را می بایست به صاحب مال پرداخت نماید. این حکم در حالی است که مرتهن تمامی حق بیمه را به شرکت بیمه گر پرداخت نموده است.^۱

در حقیقت فلسفه عدم پرداخت تفاوت قیمت مرهونه و طلب مرتهن از راهن به بیمه گذار (در مثال فوق مبلغ ۳ میلیون تومان) به دلیل این اصل بنیادین است که عقد بیمه هیچ گاه نمی بایست موجب افزایش دارایی بیمه گذار را فراهم آورد.^۲

نکته ای که می بایست مورد توجه قرار گیرد این است که در حقوق مدنی در صورتی که در سررسید دین، راهن دین اصلی را به مرتهن پرداخت ننماید، مرتهن در صورتی که برای فروش مرهونه وکالت نداشته باشد برای استیفای طلب از محل مرهونه به حاکم مراجعه می کند تا به اذن حاکم از محل مرهونه استیفای طلب نماید. به موجب ماده ۷۷۹ قانون مدنی «هرگاه مرتهن برای فروش عین مرهونه وکالت نداشته باشد و راهن هم برای فروش آن واداء دین حاضر نگردد مرتهن به حاکم رجوع می نماید تا اجبار به بیع یا اداء دین بنحو دیگر بکند».^۳

با وجود این، ماده ۷ قانون بیمه، حکمی متعارض با ترتیب ماده ۷۷۹ قانون مدنی را بیان می نماید، چه آنکه در این ماده پیش بینی شده است که پس از تلف مرهونه، بیمه گر می بایست بدو طلب مرتهن را تأدیه نماید. این در حالی است که در قانون مدنی استحقاق مرتهن به مرهونه منوط به شرایطی است که البته مهم ترین آن عدم تأدیه دین از سوی راهن در وعده است، و پس از آن صرفاً با وکالت اخذ شده از راهن است و یا با اجازه حاکم.^۴

در این مورد سوال مطرح این است که آیا ترتیب پیش بینی شده در قانون بیمه با عنایت زمان تصویب آن در سال ۱۳۱۶ می تواند در حدود خود مخصص قانون مدنی، مصوب به سال ۱۳۰۷ باشد؟

بنظر می رسد که می توان حکم دو ماده را بنحوی جمع نمود، چه آنکه مفاد دو ماده در صدد بیان دو حکم متفاوت هستند. در حقیقت در قسمت اخیر ماده ۷ قانون بیمه، قانونگذار صرفاً درصدد بیان چگونگی توزیع خسارت در میان راهن و مرتهن است. و در ماده ۷۷۹ قانون مدنی قانونگذار درصدد بیان ترتیب استیفای حق مرتهن از مرهونه است.

^۱ نکته جالب آن است که علاوه بر منتفع گشتن مرتهن (بواسطه حصول اطمینان از استیفای طلب از محل جبران خسارت به عمل آمده توسط شرکت بیمه)، راهن نیز به وضوح از ثمرات بیمه مرهونه از سوی مرتهن بهره مند می شود؛ چه آنکه از سویی حق بیمه ای از سوی وی پرداخت نشده است و از سوی دیگر پرداخت مابقی مبلغ قیمت مرهونه به وی درحالی است که اگر مرهونه بیمه نمی شد، بواسطه تلف مرهونه جبران خسارتی از وی به عمل نمی آمد (برخلاف اتلاف که همواره متلف در برابر صاحب مال مسئول خواهد بود).

^۲ شایان ذکر است که در حقوق مسولیت مدنی این اصل با عنوان بازگشت وضعیت زبان دیده به قبل از ورود خسارت شناخته می شود. (Cena, ۲۰۰۶). به موجب این اصل که تاحدود زیادی با اصل منع افزایش داری بیمه گذار بواسطه عقد بیمه در حقوق بیمه قابل انطباق است (بادینی، ۱۳۸۷) جبران خسارت از سوی جبران کننده خسارت می بایست به نحوی باشد که وضعیت زبان دیده به حالت قبل از ورود زیان برگردد. (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

^۳ در حقیقت در فقه و قانون مدنی مدنی گفته می شود که شرط تملک قهری مرهونه به مرتهن باطل دانسته شده است. (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

^۴ در مورد شرط وکالت برای فروش مرهونه گفته شده است که این شرط به معنی عدم نیاز به مقام های عمومی است. در مورد فلسفه لزوم مراجعه برای استیفای حق از مرهونه به مقام های عمومی (حاکم) نیز حمایت از بدهکارانی است که از فرط اضطراب مجبور به قبول شرایط وام دهندگان برای اعطاء وام به ایشان می شود چه آنکه در صورت عدم نبود این شرط وام دهندگان (مرتهن) در رسید به راحت ترین شکل ممکن مرهونه را بوسیله تحمیل شرط بر وام گیرنده (راهن) تملک می نمودند. به همین جهت گفته شده است شرط تملک قهری مرهونه باطل است (کاتوزیان، ۱۳۸۹). در ماده ۲۰۸۸ قانون مدنی فرانسه نیز همچون قانون مدنی ایران شرط عدم نیاز برای مراجعه به مقام های قضایی برای فروش مرهونه باطل است.

کوتاه کلام آنکه براساس موازین پیش بینی شده در حقوق مدنی، در فرض تلف مرهونه ی بیمه شده، شرکت بیمه قبل از حلول طلب مرتهن (بیمه گذار) حق پرداخت خسارت را به بیمه گذار ندارد و این پرداخت می بایست پس از حلول دین و عدم پرداخت دین از سوی راهن (صاحب مال) و به حکم حاکم انجام شود.^۱

بیمه مرهونه از سوی راهن

در این فرض راهن، بعنوان صاحب مال اقدام به بیمه نمودن عین مرهونه نموده و متعاقباً عین مرهونه به عللی غیر قابل انتساب تلف می شود. حال پرسش اصلی آن است که آیا مرتهن، در حالیکه حق بیمه ای پرداخت ننموده است، حقی نسبت به خسارات پرداختی بیمه گر، برای استیفای دین اصلی خود از راهن (بیمه گذار) خواهد داشت، یا خیر؟

در قانون بیمه چنین فرضی از سوی قانونگذار مورد پیش بینی واقع نشده است.^۲ چه آنکه در این قانون، قانونگذار صرفاً در حکمی کلی به بیان امکان بیمه نمودن عین مرهونه از سوی مرتهن بسنده نموده، و اشاره ای به فرض مورد نزاع در زمینه بیمه نمودن مرهونه توسط راهن و چگونگی تعلق حق مرتهن بعد از تلف گشتن آن ننموده است.

چنانچه قانونگذار در قانون مدنی بحثی از زوال و یا عدم زوال حق مرتهن در فرض تلف مرهونه می نمود، این موضوع از باب وحدت ملاک می توانست قابل حل باشد، با وجود این در قانون مدنی نیز صراحتاً چنین امری مورد پیش بینی قرار نگرفته است.^۳

البته در فقه مشهور فقها را عقیده بر زوال حق مرتهن در فرض تلف دارند (علامه حلی، ۱۴۱۴ه ق؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ ه ق؛ حسینی عاملی، ۱۴۱۹ ه ق؛ حکیم، ۱۴۱۶ ه ق).

هرچند، در قوانین موضوعه نصی که «به صراحت» اقدام به چاره جویی موضوع نماید وجود ندارد. با وجود این می توان تحلیل حقوقی موضوع را با بهره گیری از روح مواد مرتبط متصور شد.

توضیحاً آنکه در ماده ۷۹۱ چنین پیش بینی شده است که «اگر عین مرهونه به واسطه عمل خود راهن یا شخص دیگری تلف شود باید تلف کننده بدل آن را بدهد و بدل مزبور رهن خواهد بود». حقوقدانان چنینی بدلی را «بدل قهری» عنوان نموده آند (کاتوزیان، ۱۳۸۹).

آنچه به طور واضح و مستقیماً از نص ماده مستفاد می شود این نکته است که در صورت اتلاف مرهونه (خواه راهن و مرتهن، و یا دیگری) متلف می باید بدل مال تلف شده را بدهد. اما به نظر می رسد که ماده مزبور علاوه بر معنای صریح دارای یک معنای ضمنی دیگری نیز می باشد و آن اینکه به موجب این ماده در هر موردی که بتوان بدلی را برای مرهونه متصور شد، آن بدل قهرماً می بایست به عنوان مرهونه در قید حق مرتهن قرار گیرد.

در حقیقت مفهوم رهن قهری با مفهوم «بدل» مورد تداعی قرار می گیرد؛ از این رو در هر موردی که بتوان بدلی را برای عین مرهونه متصور شد حق الرهانه مرتهن نسبت بدان تعلق خواهد گرفت.

تصور نرود که مفاد این بحث تنها به فرض شایع فوق که همان تلف مرهونه ی بیمه شده اختصاص دارد. در قالب مثال ذیل بهتر می توان از مفاد قاعده ابداع شده دفاع نمود:

^۱ در دنیای کنونی تجارت و اقتصاد، مهلت پرداخت دین نیز خود دارای ارزش اقتصادی است. از این رو استیفای حق از رهن و یا بدل آن در قبل از حلول دین نمی تواند با توافق اولیه طرفین همسویی داشته باشد (التعجیل لعقوبه لم یثبت موجبها؛ اکبری دهنو و دیگران، ۱۳۹۱).

^۲ قابل ذکر است که در ماده ۱۹ شرایط عمومی بیمه آتش سوزی، صاعقه و انفجار چنین پیش بینی شده است که «بیمه گر مکلف است حقوق قانونی مرتهن را در مورد اموال بیمه شده اعم از منقول و غیر منقول تا حدود حداکثر تعهد خود در پرداخت خسارت رعایت نماید. حقوق مرتهن نسبت به اموال بیمه شده مزبور باید به اطلاع بیمه گر رسیده باشد». البته همانگونه که در ماده ۱ این شرایط عمومی بیان شده است مواد پیش بینی شده در شرایط عمومی (با ابتکار بیمه مرکزی) جنبه پیشنهادی دارد و به دیگر شرایط عمومی با توافق بیمه گذار و بیمه گر قابل اسقاط می باشد.

^۳ البته همانگونه که گفته شد، می توان چنین گفت که به صورت ضمنی قانونگذار در قانون مدنی عقیده به زوال حق مرتهن دارد.

چنانچه غاصبی مرهونه را غصب و با فرض وجود مال امکان عودت مال را به مالک نداشته باشد مطابق قواعد حقوق مدنی غاصب ملزم به دادن بدل حیلولة به مالک است (کاتوزیان، ۱۳۸۷) در این مثال نه اتلاف و نه تلف حادث نگردیده است. با وجود این برقراری حق الرهانه نسبت به بدل حیلولة قابل دفاع است.

همچنین تصور نشود که دادن بدل بابت مرهونه تلف گشته تنها در حالت بیمه شدن مرهونه امکان پذیر است تا امکان استناد به قاعده گفته شده وجود داشته باشد.^۱ چه آنکه در موارد دیگر نیز امکان استناد به قاعده گفته شده وجود دارد؛ بطور مثال چنانچه مرهونه به رسم ودیعه در اختیار دیگری قرار داده شده است، با فرض تلف شدن مرهونه با آفات سماوی و قهری و البته در دوران تقصر امین، مطابق قواعد حقوق مدنی امین موظف به پرداخت بدل به مالک (راهن) خواهد بود (اکبری دهنو و پارساپور، ۱۳۹۱). در این حالت هرچند مرهونه بیمه نشده است. اما بدلی برای آن متصور است، که البته با توجه به وجود بدل برای مرهونه تلف شده برقراری حق الرهانه نسبت به بدل قابل دفاع خواهد بود. چنین عقیده ای نه تنها به لحاظ قانونی دارای پشتوانه است، بلکه به لحاظ فقهی نیز قابل دفاع خواهد بود، مناسب است که به ترتیب نقاط اتکاء عقیده مطرح شده را از منظر فقهی بیان نماییم:

۱- به موجب اصل استصحاب، اصل بقای حق است؛ درحقیقت تحقق عقد رهن، حقی پایدار و ثابت و حتی عینی را برای مرتهن موجب شده است. در حالت تلف مرهونه و بیمه شدن آن قبل از تلف، شکی پدید می آید که ناشی از این سوال است که آیا با وجود اینکه جایگزینی برای مرهونه وجود دارد حق مرتهن از بین رفته است یا خیر؟

وانگهی اصل استصحاب (البته با تلقی حق رهانه بعنوان مستصحب و نه نفس مرهونه بعنوان مستصحب)^۲ اقتضای عدم زوال حق مرتهن با تلف مرهونه را دارد؛ چه آنکه به موجب این اصل یقین سابق با شک لاحق از بین نمی رود.

ممکن است بر راقم سطور ایراد شود که این اصل در جایی که جایگزینی برای مرهونه وجود ندارد، نیز مجال طرح می یابد، پس در این فرض نیز با استناد اصل استصحاب لاجرم می بایست قائل به ادامه حق مرتهن گشته و راهن را ملزم به تهیه بدل برای مرتهن نمود؟ چنین ایرادی قابل دفع است؛ چه آنکه اولاً تدارک بدل مرهونه نه از وظایف بیمه گزار (راهن) بلکه از وظایف بیمه گر است. در حقیقت بیمه گر محتاط و آینده نگر با پرداخت حق بیمه اقدام به بیمه نمودن مرهونه کرده است. نیز آنکه حصول شک و تردید ناشی از این مقدمه است که بیمه ی مرهونه موجب وجود بدل برای آن در فرض تلف گشتن آن است. در حقیقت از جمله شرایط ضروری برای مجرا گشتن اصل استصحاب این است که مورد استصحاب قابلیت دوام را داشته باشد (محقق دادماد، ۱۳۸۷).

در فرض تلف مرهونه بدون بیمه گشتن آن، مورد استصحاب قابلیت دوام و ادامه یافتن را ندارد؛ با وجود این در فرض تلف مرهونه بیمه ی شده، مورد استصحاب قابلیت دوام را داشته و از این رو استناد به استصحاب برای حکم به تعلق حق مرتهن خالی از وجه نخواهد بود. ممکن است این ابهام مطرح شود که بیمه نمودن مرهونه النهایه موجب دارا شدن بدون جهت مرتهن می شود، زیرا راهن علاوه بر از کف دادن مرهونه، هزینه ای را برای بیمه نمودن آن پرداخت نموده، و نیز علاوه بر تعلق قهری حق مرتهن بر بدل پرداخت شده از سوی بیمه گر، راهن ملزم خواهد بود در سررسید دین خویش را تادیه نموده و در غیر اینصورت از محل بدل مرهونه استیفاء دین خواهد شد.

^۱. مراد قاعده ی گفته شده است؛ قاعده ی که در طی آن در هر مورد که بتوان بدلی را برای مرهونه تلف شده متصور شد، برقراری حق الرهانه نسبت بدان قابل دفاع است. فرد اجلا و بارز این قاعده فرض اتلاف رهینه است. با وجود این مفاد این قاعده در فرض تلف رهینه نیز می تواند مجری باشد.

^۲. در حقیقت یکی از نکات بسیار مهم در استناد به اصل عملی استصحاب تشخیص و تمییز «موضوع» در یقین سابق و در شک لاحق است (قافی و شریعتی، ۱۳۹۲) به تعبیر دیگر می بایست با دقت نظر موضوع یقین سابق و موضوع شک لاحق را در ابتدا شناسایی و سپس در صورت وحدت به سراغ سایر شرایط استصحاب رفت. در حقیقت همانگونه اصولیین در این باره گفته اند: «... در صورتی نقض یقین سابق، به وسیله شک لاحق محقق می شود که موضوع متیقن و مشکوک عرفاً یکی باشد...» (شهیدصدر، ۱۴۲۱هـ.ق). اصولیین در این راستا ملاک برای شناسایی موضوع را «حکم عرف» قرار داده اند (پیشین، ۱۴۲۱ هـ.ق؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ هـ.ق) با این تفسیر به نظر می رسد که در بحث ما آنچه که به عنوان موضوع استصحاب (ستصحب) می بایست در نظر گرفته شود حق الرهانه ی مرتهن است.

چنین ابهام ایراد گونه ای می تواند محل تأمل باشد، چه آنکه راهن بدون اینکه تکلیفی در راستای بیمه نمودن مرهونه داشته باشد، مبادرت به بیمه نمودن مرهونه کرده و البته مرتهن از ثمرات آن بهره مند می شود. در حقیقت مرتهن در سررسید بدون اینکه دغدغه ای برای استیفای طلب خود داشته باشد بصورت راحت تری به طلب خود نائل می آید.

با این وجود توهّم دارا شدن غیر عادلانه از سوی مرتهن را می بایست از ذهن زدود، چه آنکه چنین اقدامی از سوی راهن در بیمه نمودن مرهونه از سویی می تواند گواه نفع شخصی راهن در بیمه نمودن مرهونه باشد، برای مثال در آن هنگام که قیمت مرهونه به مراتب از طلب مرتهن بیشتر باشد بدون تردید راهن نیز در بیمه نمودن مرهونه دارای نفع شخصی است. به دلیل گفته شده استناد به دارا شدن غیر عادلانه مرتهن خالی از وجه است چه آنکه از جمله شروط لازم برای تحقق دارا شدن غیر عادلانه آن است که نفعی به شخصی که به دارا شدن غیر عادلانه دیگری استناد می کند نرسیده باشد (صفایی و رحیمی، ۱۳۹۲) این درحالی است که در فرض ما گفته شد که نوعاً بیمه نمودن مرهونه کاشف از نفع شخصی راهن است.

نیز بهره مندی مرتهن از بدل مرهونه که از سوی بیمه گر پرداخت می شود، مستقیماً موجب افزایش دارایی مرتهن نمی شود، چه آنکه صرفاً اقتضای رهن حصول اطمینان بیشتر در وصول طلب است. بدیهی است که این امر به خودی خود موجب افزایش دارایی مرتهن نمی شود، در حقیقت مرتهن صرفاً یک طلب را برعهده راهن طلبکار است. این در حالی است که از جمله ضروریات قاعده دارا شدن غیر عادلانه افزایش مستقیم دارایی های دیگری است (پیشین، ۱۳۹۲؛ السنهوری، ۱۹۶۷).

این اصل صرفاً جایی استثناء می شود که مورد رهن تلف کشته و امکانی برای جایگزین نمودن آن نباشد اما در آن هنگام که جایگزینی را بتوان برای مورد رهن قرار داد اصل مزبور اقتضای عدم زوال حق مرتهن را دارد.

۲- قاعده «فیما یخالف الاصل یقتصر علی الموضع المتیقن»، در فقه موید این نکته است که، آن دسته از احکامی که امری خلاف اصل را بیان می نمایند می بایست تا حد امکان به نحو مضیق مورد تفسیر واقع شوند.

به موجب قاعده فقهی مزبور، اصل بقاء و تعلق حق مرتهن بر عین مرهونه اقتضا دارد که سقوط حق مرتهن بر عین مرهونه صرفاً به جایی اختصاص یابد که دیگر امکانی برای تعلق حق وجود نداشته باشد. این عدم تعلق حق مرتهن، در بحث ما صرفاً حالتی را شامل می شود که مرهونه تلف گشته و اصلاً با سالبه به انتفاء گشتن موضوع حق، حق نیز زایل گشته و دیگر امکانی برای تعلق حق مرتهن وجود نداشته باشد. در حقیقت تلف مرهونه ای که بدلی برای آن متصور نیست، حکم، خلاف اصل خواهد بود، چه آنکه تنها در این فرض است که حق مرتهن از بین می رود.

وانگهی در آن مواردی که مرهونه تلف گشته لیکن امکان جایگزین نمودن مرهونه و تصور استمرار حق برای مرتهن وجود داشته باشد، به حکم قاعده فقهی مزبور نمی توان قائل به زوال حق مرتهن شد. چه آنکه از منظر فقهی، توسعه ی حکم خلاف قاعده جایز نیست.

از منظر حقوق تطبیقی در قانون بیمه فرانسه این موضوع با دقت نظر قانونگذار فرانسوی مورد توجه قرار گرفته و در ماده ۱۳-۱۲۱ این قانون پیش بین شده است که بیمه گر می بایست از محل خسارت پرداختی بابت تلف گشتن مرهونه بصورت مستقیم طلب مرتهن را به وی پرداخت نماید.

نتیجه گیری

می توان نتایج حاصل از تحقیق حاضر را به شرح بندهای ذیل خلاصه کرد:

راهن و مرتهن هرکدام حق بیمه نمودن مرهونه را دارا هستند، و بیمه گر می بایست پس از ورود خسارت به مرهونه نسبت به تدارک خسارت از بیمه گذار اقدام نماید.

فرض مسئولیت بیمه گذار یا ناشی اتلاف و یا ناشی از تلف مرهونه است، مهمترین تفاوت میان اتلاف و تلف نیز قابلیت انتساب است؛ امری که در اولی موجود و در دومی مفقود است.

چنانچه بیمه گذار خود اقدام به اتلاف مرهونه نموده باشد، با توجه به ایراد خسارت عمدی توسط بیمه گذار شرکت بیمه اقدامی نسبت به جبران خسارت به عمل نمی آورد، لیکن چنانچه این امر توسط شخص ثالث انجام گرفته باشد، نظر به فقد عنصر خسارت عمدی شرکت بیمه موظف به جبران خسارت است.

در مورد تلف مرهونه بیمه شده نزاع و اختلاف اصلی در فرضی است که بیمه مال بوسیله راهن انجام گرفته شده باشد، اینکه مرتبه نسبت به خسارات پرداختی بیمه گر استحقاقی را داراست و یا خیر؟ کانون نزاع در این فرض است.

گفته شد که بر اساس مبانی حقوق مدنی و حتی مبانی مأخوذ از فقه، می توان در این زمینه، نظریه ای را تأسیس نمود، به موجب این نظریه که عبارت است از «برقراری قهری حق الرهانه مرتبه نسبت به بدل مرهونه‌ی از بین رفته (خواه بواسطه اتلاف و یا تلف)» در چنین فرضی نیز، مرتبه نسبت به خسارات پرداختی بیمه گر در اولویت است و می بایست در ابتدا طلب وی از محل بدل پرداخت شود.

منابع و مآخذ

- آل شیخ، محمد، (۱۳۸۴)، شرایط ماهوی صحت عقد بیمه و ساختار شکلی آن، فصلنامه صنعت بیمه، شماره ۱، صفحه ۱۰۴
- اکبری دهنو، میثم محمد باقر پارساپور، (۱۳۹۱)، تأملی فقهی و حقوقی، در وضعیت ید امین پس از عدول از تقصیر، فصلنامه پژوهشنامه حقوق اسلامی، دوره ۳۶، شماره ۲، صفحات ۸۵-۸۴
- اکبری دهنو، میثم، مرتضی شهبازی نیا، محمد باقر پارساپور، محمد حسین یآوری، مطالبه تضمین از متعهد پیش از حلول اجرای تعهدات قراردادی، دو فصلنامه دانش حقوق مدنی، سال اول، شماره دوم، صفحه ۶۹
- السنهوری، عبدالرزاق، (۱۹۶۷)، م. مصادر الحق فی فقه الاسلامی جلد اول، جامعه الدل العربیه، قاهره، چاپ سوم، صفحه ۵۹
- انصاری، مرتضی، کتاب المکاسب، جلد ۱، منشورات دار الذخائر، قم، چاپ اول، (۱۴۱۱) ه ق، صفحه ۴۱۶
- بابایی، ایرج، (۱۳۹۰)، حقوق بیمه، انتشارات سمت، تهران، چاپ دهم، صفحه ۸۸-۱۲۹
- بادینی، حسن، (۱۳۸۷)، قواعد حاکم بر اعمال همزمان نظام های جبران خسارت، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۳۸، شماره ۲، صفحه ۴۰
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تذکره الفقهاء (ط - الحديثه)، جلد ۱۳، مؤسسه آل البيت عليهم السلام، قم، چاپ اول، (۱۴۱۴) ه ق، صفحه: ۳۰۱
- جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی، (۱۴۲۶ ه ق)، (فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ۳ جلد، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت عليهم السلام، قم، چاپ اول، صفحه ۳۲۵
- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف، جلد ۳، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ اول، (۱۴۰۷) ه ق، صفحه ۲۵۶
- صدر، سید محمد باقر، (۱۴۲۱) ه ق. دروس فی علم الاصول، جلد دوم، انتشارات مرکز دروس تخصصی شهید صدر، قم، صفحات ۴۲۳-۴۲۰
- صفایی، سید حسین، حبیب الله رحیمی، (۱۳۹۲)، مسئولیت مدنی، انتشارات سمت، تهران، چاپ پنجم، ۵۴-۵۱.
- قافی، حسین، سعید شریعتی، (۱۳۹۲)، اصول فقه کاربردی، اصول عملیه و تعارض ادله، انتشارات سمت، تهران، چاپ اول، صفحات ۲۰
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۷)، الزام های خارج از قرارداد- مسئولیت های خاص و مختلط، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ هشتم، صفحات ۲۴۲، ۲۵۲
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، الزام های خارج از قرارداد- قواعد عمومی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، چاپ نهم، صفحه ۵۳۵
- کاتوزیان، ناصر، (۱۳۸۹)، عقود معین- عقود اذنی، وثیقه های دین، شرکت سهامی انتشار، تهران، چاپ ششم، صفحات ۵۹۱-۵۹۰، ۵۲۴-۵
- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۹)، قواعد فقه- بخش مدنی، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ بیست و چهارم، صفحه ۱۱۵

- محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۸۷)، مباحثی از اصول فقه، دفتر سوم، مرکز نشر علوم اسلامی، تهران، چاپ پنجم، ، صفحات ۳۶-۳۹.
- مکارم شیرازی، ناصر، (۱۴۲۶ هـ ق.)، الانوار الاصول، جلد سوم، انتشارات نسل جوان، قم، صفحات ۳۶-۳۹.
- مولودی، محمد، (۱۳۸۳)، قائم مقام خاص متعاقدين ، نشریه دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره ۶۴، صفحه ۲۱۹.
- نجفی کاشف الغطاء، محمد حسین ، تحریر المجله، جلد ۲، المكتبة المرتضوية، نجف اشرف - عراق، چاپ اول، (۱۳۵۹ هـ ق)، صفحه ۲۲۰.
- همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، حاشیه کتاب المكاسب ، در یک جلد، انتشارات جناب مؤلف، قم، چاپ اول، (۱۴۲۰ هـ ق)، صفحه ۱۱۷.

Birds. J N. J. Hird, (۲۰۰۱), Birds modern insurance law, publisher kluwer law, p:۲۰۳.

Cena; peter. (۲۰۰۶), Atiyah accident, Compensation and the law. Seventh Edition Combridge. P: ۳۷۷.